

• دکتر سید حسین نصر
• رحیم قاسمیان
• قسمت اول

پیام روحانی خوشنویسی در اسلام

زیبایی خط، زبان دست است و جلال اندیشه.

علی بن ایطالب (ع)

دستخط زیبا جواهری است که دست آن را

از طلای ناب خرد شکل می‌دهد.

ابو حیان التوحیدی

نخستین فعل
خلاق ذات
باریتعالی، خلق
همزمان «کلمه»
نخستین «
سرمنشاء تمامی
صداها و قرآن
کریم در مقام یک
جهان شنیداری،
و «نقطه نخستین»
است. این نقطه
نخستین سرآغاز
خوشنویسی
مقدس به حساب
می‌آید که در
عین حال تجسم
عینی «کلمه»
مقدس «هم
همت. کلمه»
نخستین همان

«کن» (باش!) است که پژواکش تمامی «عالم» را خلق
کرد و در قرآن مجید به صورت صدا مندرج است.
از سوی دیگر، این کلمه در مرکبی که «قلم الهی» با
آن حقایق همه چیز را بر «لوح محفوظ» نوشت، بر
اوراق آن کتاب مثالی که چیزی خود قرآن به مثابه
«ام‌الکتاب» نیست. «کتابی» که حاوی تمامی امکانات
پایان ناپذیر خلاقیت الهی است. تبلور یافته است.

خود قرآن کریم
متذکر وجود این
«مرکب» است،
آنجا که
می‌فرماید، «و
اگر هر درخت
روی زمین قلم
شود و آب دریا
به اضافه هفت
دریای دیگر
مرکب، باز
نگارش کلمات
خدا ناتمام بماند.»
(سوره لقمان،
آیه ۲۷)

همان طور که
قرائت قرآن
کریم در مقام یک
هنر صوتی
قدسی تمام عیار

سرمنشاء هنرهای صوتی سنتی است. هنر
خوشنویسی، که در ساخت زمین، بازتاب تحریر
کلام پروردگار بر لوح محفوظ است، سرچشمه
هنرهای تجسمی به حساب می‌آید. خوشنویسی متن
قرآن در عین حال که از دین اسلام نشاءت می‌گیرد،
معرف و اکتش روح ملل مسلمان نسبت به «پیام الهی»
است. نقطه‌هایی که «قلم الهی» ترسیم کرده است، هم

● هنر خوشنویسی، که در ساحت زمین، بازتاب تحریر کلام پروردگار بر لوح محفوظ است، سرچشمه هنرهای تجسمی به حساب می‌آید.

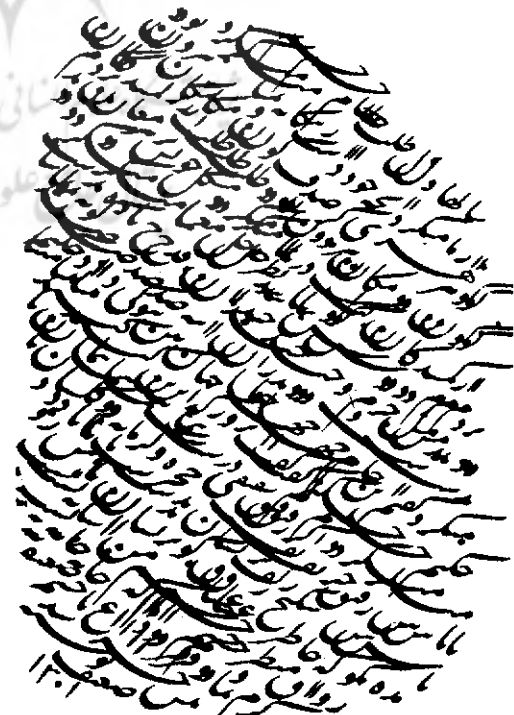
با جهان روحانی پیوند دارد، چنان که بر اساس یک گفته قدیمی اسلامی، «خوشنویسی هندسه روح است». (۳) حروف، کلمات و آیات قرآن صرفاً عناصری از زبان مکتوب نیستند، بلکه از خود وجود و شخصیت دارند که قالب خوشنویسی هم مظهر و مادی و بصری آنهاست. انسان با نوشتن و خواندن این حروف، کلمات و آیات، با این موجودات و اسرار ارتباط برقرار می‌کند، که در نهایت از «دیگر» ساحل دورست وجود جهانی آمده‌اند تا انسان را در مسیر پیوستن به «احد» راهنمایی کنند. در نزد آنکه اهمیت قرآن را در قالب گفتاری و نوشتاری درک می‌کند، «درک نقش مهمی که آیات قرآن، این عبارات عالی و الامرته در زندگی هر مسلمان ایفا می‌کند کار ساده‌ای است؛ این آیات صرفاً جملاتی برای انتقال اندیشه نیستند، بلکه به نوعی جان دارند، قدرت دارند، طلسم‌اند.» (۴)

از آنجا که در متن قرآن کریم «حضور الهی» حس می‌شود، خوشنویسی به عنوان تجسم‌بخش «کلمه‌الله» به مسلمانان کمک می‌کند تا بر اساس استعدادها و روحانی خود، در این حضور سهمی داشته باشند یا انوار این حضور به دل‌هایشان نفوذ کند. هنر مقدس خوشنویسی به انسان کمک می‌کند از حجاب وجود مادی بگذرد، تا بتواند به آن برکتی که در بطن «کلمه‌الله» نهفته است دسترسی بیابد و از جام واقفیت جهان روحانی، قطره‌ای بجشد. «خوشنویسی و تذهیب‌گری وجود مشروط و حادث مرکب و قلم را ترمیم و تکمیل می‌کنند و این امکان را فراهم می‌سازند تا بتوان به جوهر الهی متن قرآنی نزدیک‌تر شد و در آن نفوذ کرد و به این ترتیب، بر اساس ظرفیت و استعداد، جرعه‌ای از جام لایتنهای و ازلی نوشید.» (۵)

گرچه خوشنویسی شاهد تحولات متعددی بوده و رسالتها و عرصه‌های متفاوتی را تجربه کرده که همه آنها به طور مستقیم با متن قرآن مرتبط نبوده است، اما بارقه‌ای از این ارتباط اساسی میان خوشنویسی، که اساساً در چارچوبی صرفاً قرآنی یا به عرصه وجود نهاد، ذات روحانی قرآن، در تمام جنبه‌های خوشنویسی سنتی اسلامی حضور دارد. خوشنویسی منزلت خاص و ممتازی در اسلام دارد، تا آنجا که آن را می‌توان فرزند خلف هنرهای بصری سنتی اسلامی و شاخص‌ترین ویژگی جنبه بصری تمدن اسلامی دانست. (۶) خوشنویسی طی قرنهای مختلف با خود فرهنگ یکی پنداشته شده است و هنر خوشنویسی را نشانه‌ای از با فرهنگ بودن کاتب و انضباط ذهن و روح و نیز دست او دانسته‌اند. خوشنویسی کماکان در کانون هنرهای بصری جا دارد و کاربردهای مختلف آن را می‌توان از معماری گرفته تا شعر مشاهده کرد. خوشنویسی هنر پایه‌ای

نمونه مثالی و ملکوتی خوشنویسی قرآنی و هم خطوط و احجامی را که نظم کیهانی از آن تشکیل شده خلق کرده است، و نه تنها فضای طبیعی از آن سرچشمه می‌گیرد، بلکه فضای معماری هم مبتنی بر آن است. در راز سر به مهر نقطه نخستین، که زیر حرف «ب» (۱) اولین کلمه قرآن مجید ظاهر می‌شود، ریشه‌های خوشنویسی و معماری اسلامی و مبانی هنرهای شنیداری و تجسمی را می‌توان یافت. که سرچشمه هر دوی آنها در «کتاب مقدس» قابل جستجو است. نقطه‌ها و خطوط خوشنویسی اسلامی، با تنوع پایان‌ناپذیر فرمها و ریتم‌هایشان، به آن حوزه عالی الهی مربوطند که در مرکز آن نقطه اول است که همان «کلمه علیای او» است. شیخ شهاب‌الدین سهروردی یا شیخ اشراق، یکی از نیایشهای خود را با این عبارات آغاز می‌کند: «یا صاحب دایره عظمی که از آن تمام دوایر نشاعت می‌گیرد و تمام خطوط به آن ختم می‌شود و نقطه اول از آن ظاهر می‌گردد که کلمه علیای توست که بر صورت کلی تو نقش شده است.» (۲)

لوح محفوظ حاوی نمونه‌های مثالی تمامی صورتها و قالبهای این جهانی، و بویژه سرچشمه خوشنویسی سنتی قرآنی است، که تمام اسلوبهای آن بر اساس سرشت مقدس کتاب و وحی شکل گرفته و بازتابگر آن است. خوشنویسی اسلامی تجسم بصری تبلور حقایق روحانی است که در بطن دین اسلام جا دارد. این خوشنویسی جامه‌ای خارجی برای «کلام خداوند» در جهان مادی فراهم می‌آورد، اما این هنر کماکان



خلق نقاط و خطوط در تنوع بی‌پایانی از قالبها و ریشه‌هاست که همواره زمینه‌تذکار کنش نخستین قلم الهی را برای کسانی که توانایی درک خداوند بی‌شکل را در اشکال مختلف دارند فراهم می‌آورد. هستی به واسطه قلم فرامین الهی را دریافت می‌کند. شمع قلم از او نور می‌گیرد. قلم سروی است در باغ خرد که سایه نظم آن بر خاک گسترده است. قلم در واقع قطب فعال خلاقیت الهی، یا همان «لوگوس» است که تمام امکانات یا صور مثالی الهی پنهان در «خزانه غیب» را با حروف و کلماتی که

نمونه تمام صور این جهانی است بر لوح محفوظ منقوش ساخته و این گونه آنها را متجلی می‌نماید. (۷) قلمی که در دست بشر قرار می‌گیرد و در نوشتن به کار می‌آید، نماد بیواسطه‌ای از آن «قلم الهی»، و اثری که این قلم بر کاغذ یا پوست برجا می‌گذارد، تصویری است از آن خوشنویسی الهی که حقیقت محض همه چیز را بر اوراق کتاب آسمانی نگاشته و اثر خود را بر تمام

موجودات باقی نهاده است، که بر آن اساس منشاء مینوی وجود خود را انعکاس می‌دهند.

قلم انسانی معمولاً از نی ساخته شده و لاجرم نه تنها خطوط و اشکال زیبای خوشنویسی سنتی را تداعی می‌کند، بلکه آوای سحرانگیز موسیقی قدسی عاشقان پروردگار را متذکر می‌شود و آنان را به جایگاه اصلی خود در جوار خداوند فرا می‌خواند.

این همان تلی است که رومی در سرآغاز جاودانه مثنوی هم از آن یاد کرده است:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

از جداییها شکایت می‌کند

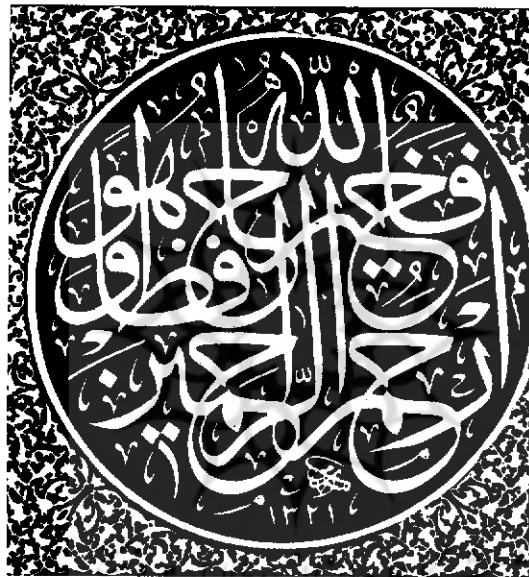
کز نیستان تا مرا بریده‌اند

از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

نوای نی همتای شنیداری حروف و کلماتی است که خوشنویس می‌نویسد. هر دو فرآورده‌های قلمند و انسان را از طریق یادآوری صورتهای ازلی که موسیقی سنتی و خوشنویسی در قالبهای شنیداری و

دیداری خویش منعکس می‌سازند، به موطن روحانی خود فرا می‌خوانند. از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت که نی مورد استفاده به عنوان ابزار خوشنویسی، بیشتر یادآور کنش آسمانی یا «قوس نزولی» کیهان‌شناسی سنتی (۸) و نی در مقام فلوت، یادآور کنش رجعت به اصل یا «قوس صعودی» است. با این همه، نی در مقام قلم و فلوت صورتهایی خلق می‌کند که به صرف وجود اشیاء مربوطند و این ارتباط مشابه همان ارتباطی است که صورتهای هنر سنتی را به واسطه تجانس میان هنر و کیهان‌شناسی، که سرچشمه تمامی هنرهای سنتی است، به حقیقت اشیاء پیوند می‌دهد.

● در واقع، نسبتهای خوشنویسی اسلامی کلید درک نسبتهای معماری اسلامی است.



مؤمن خود به تلی تبدیل می‌شود که موسیقیدان الهی نغمه‌های عالم هستی را به مدد او ترنم می‌کند، و در عین حال قلمی است که پروردگار با آن خلاقیتهای خود را به مذهب ظهور می‌رساند. مؤمن با تسلیم مطلق به «اراده الهی»، خود به قلمی در دست او بدل می‌گردد و به این گفته قرآنی عینیت می‌بخشد که: «دست خدا بالای دستهاست.» (سوره فتح، ۱۰). او خود

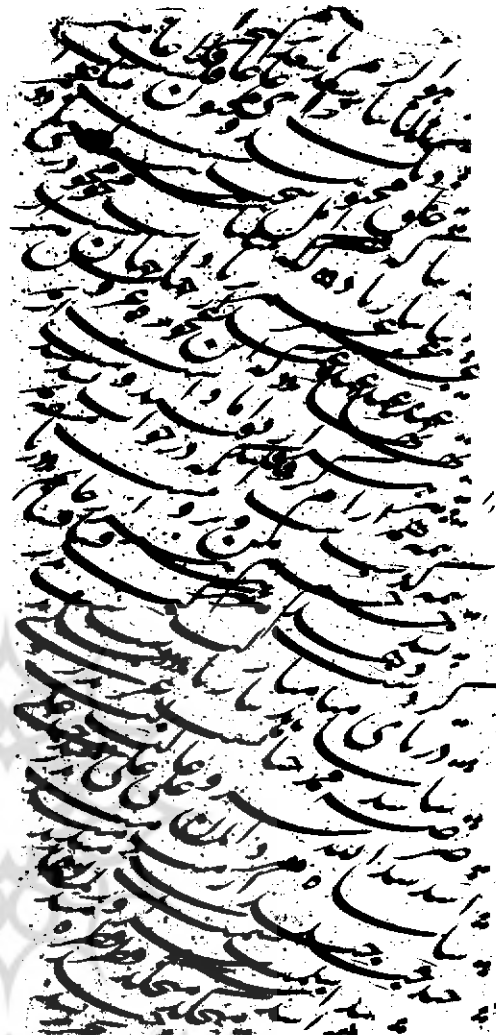
چون قلمی است که با آن اوراق زندگیش را به صورت شاهکاری در صورت و معنا می‌نگارد. در واقع مؤمن خود به اثری در عرصه هنر قدسی بدل می‌شود. افزون بر آن، وقتی در چنین حالتی خطی می‌نویسد، قلم در دست او، چون خود اوست «در دست پروردگار». بر اساس این تسلیم مطلق، تمرکز ذهن و فنای درونی، هنری که به دست او خلق می‌گردد، هنری قدسی است. او وسیله‌ای می‌شود که صورتهای مینوی به واسطه او در ساحت مکان و زمان متجلی می‌گردد، و اینچنین، ایجاد هنجارهایی به عنوان سرمشق شاگردان و مریدانی که هنوز به تمام و کمال، حقیقت عبارت «دست خدا بالای دستهاست» را درک نکرده‌اند، میسر می‌شود. اما هنر قدسی خوشنویسی در اسلام توسط کسانی پدید آمد که خودشان جداً قلمی در دست «پروردگار هنرمند» بودند. همانها معیارهای سنتی خوشنویسی را تثبیت کردند و این معیارها سرمشق دیگران شد. تصادفی

● خوشنویسی کماکان در کانون هنرهای بصری جا دارد و کاربردهای مختلف آن را می‌توان از معماری گرفته تا شعر مشاهده کرد.

به نام «قلم» نامگذاری شده است. این سوره با حرف «ن» می‌آغازد و سپس این آیه می‌آید، «و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت.» (قلم، ۱). حرف «ن» شبیه مرکب‌دانی است حاوی مرکبی که تمام سرمشکهای همه موجودات با آن بر لوح محفوظ ثبت شده است. این حرف در ضمن شبیه کشتی بی است که امکانات چرخه تجلی خاصی را با خود از «اقیانوس عدم» می‌گذراند. (۹)

«کمال‌الدین حسین کاشفی»، محقق صوفی ایرانی قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی)، در کتاب «مواهب العلیه» که تفسیر قرآن کریم است، «ن» را به حرف اول «نور» مربوط می‌کند که بر اساس حدیثی از پیامبر اکرم («اولین چیزی که خداوند خلق کرد نور بود...») اولین حقیقی است که خداوند به عرصه وجود رساند. «ن» در ضمن آخرین حرف «الرحمان» هم هست، که به واسطه آن تمامی خلقت شکل گرفت. (۱۰) اصل جوهر خلقت پروردگار، انعقاد «نفس الرحمان» است که دمیدن آن به صور ازلی (الاعیان الثابته)، جهان را خلق کرد. (۱۱) کاشفی می‌افزاید که خداوند ابتدا «قلم» را خلق کرد و سپس مرکب‌دان یا «ن» را و لذا سوره «قلم» را با عبارت «ن و القلم» آغازید. طبق حدیث دیگری، «قلم» نماد زبان و «ن» نماد دهان است. بنا به گفته کاشفی «قلم علی» نور است که «اندازه‌اش برابر فاصله میان آسمان و زمین است.» (۱۲) کاشفی در ضمن اعتقاد دارد که حرف «ن» اشاره‌ای به «دانش الهی» دارد که در «حدیث ذاتیه جامعیه» مستتر است و «قلم» به آن «دانش الهی» مفصل و مشروح اشاره دارد که در «وحدت سمائیه» مندرج است. «آنچه قلم با [مرکب] مرکب‌دان ازلی نوشته، حروف الهی، متعالی و ساده و در عین حال کلماتی معمولی، پیچیده و فاخرند.» (۱۳) به این ترتیب کاشفی منشاء متافیزیکی خوشنویسی را بر اساس نماد قرآنی قلم و مرکب‌دان یا «ن و القلم» خلاصه می‌کند و کلیدی برای ترک مبانی متافیزیکی و جنبه‌های روحانی خوشنویسی اسلامی و نقشی که این هنر در حیات مذهبی و هنری اسلام سنتی ایفا می‌کند، به دست می‌دهد.

تجلی این جهانی نخستین الگوی الهی خوشنویسی اسلامی، که در تصویر قرآنی قلم و مرکب‌دان توضیح داده شد، کماکان از اهمیت روحانی محوری بهره‌مند است. این امر در وهله اول با انتساب سنتی سرمشاه این هنر به علی (ع) که به تمام معنا معرف جنبه‌های باطنی اسلام پس از پیامبر اکرم است (۱۴)، و نیز ارتباط آن با ارکان اولیه معنویت اسلامی که به عنوان اقطاب صوفیه در تسنن و امامان در تشیع مطرحند، آشکار می‌شود. (۱۵) دوم اینکه خوشنویسی همواره و آگاهانه با نوعی حس رقابت برای تقلید کنش الهی درآمیخته و اجرا شده است. گرچه از کمال ازلی خود بسیار فاصله دارد. چرا که «والاثرین شرافتی که به



نیست که در اقوال آمده است که سبک کوفی، کهن‌ترین و مهم‌ترین سبک خوشنویسی است؛ سوره اول نیز خود در «بسم‌الله»، بسم‌الله در «ب» و «ب» در نقطه زیر این حرف خلاصه شده، و من آن نقطه‌ام». فقط آن کس که با نقطه اصل و اول تمام خطوط و مرکز تمام نوایر و قرآنی را حضرت علی (ع) «خلق کرد»، و هم او فرموده، «چکیده تمامی قرآن در سوره اول آن مندرج جود وحدت برونی دارد، می‌تواند به عنوان قلمی در دستان پروردگار عمل کند و وسیله‌ای برای خلق هنر قدسی خوشنویسی اسلامی باشد؛ هنری که چنان تمامی هنرهای قدسی واقعی، منشاءیی فرافریدی دارد.

خود قرآن لفظ «قلم» را در سوره علق، اولین سوره‌ای که بر پیامبر وحی شد، می‌آورد و به پیامبر امر می‌کند: «بخوان قرآن را و پروردگار تو کریم‌ترین کریمان عالم است. آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.» (سوره علق، ۳ و ۴). حتی سوره‌ای از قرآن

باز هم سرقت
تابلوهای پیکاسو

آثاری از «پابلو پیکاسو»، «هنری ماتیس» و «فریدا کاهلو» از منزل یک پزشک در «نگزاس» آمریکا دزدیده شد. ارزش این تابلوها که از منزل شخصی «ریچارد گارسیا» دزدیده شده است، بیش از ۷۰۰ هزار دلار بوده است. بر اساس گزارش شبکه خبری بی بی سی، با ارزش ترین اثر موجود در این آثار، تابلوی «ماتیس» به ارزش ۵۰۰ هزار دلار بوده است. دکتر گارسیا که بنابه پیشنهاد وکیلش این آثار را بیمه نکرده است، گفت: ارزش این آثار به قدری زیاد بود که «فریدا کاهلو» من آن‌ها را



بیمه نکریم.

وی افزود: سازقان با ارزش‌ترین آثار من را دزدیدند و فکر می‌کنم این آثار به یک گنجینه خصوصی برده شده‌اند که کسی دسترسی به آنها نخواهد داشت.

دکتر گارسیا که به طور مرتب میهمانی‌هایی با حضور هنرمندان و موسیقی‌دانان در منزل خود برگزار می‌کند، معتقد است، مطمئناً افراد سارق، افرادی این دزدی را انجام داده‌اند.

خطاطی اعطا شده از این واقعیت نشأت می‌گیرد که این هنر همچون سایه دوری از کنش الهی است. (۱۶) سوم اینکه، خوشنویسی سنتی بر پایه علم دقیق اشکال و ریتمهای هندسی استوار است، هر حرف به شیوه‌ای ریاضی از اگر بتوان گفت که هر یک از انواع هنر اسلامی نوعی علم است، چنانکه علم اسلامی نوعی هنر است، این رابطه به ویژه در مورد خوشنویسی مصداق دارد و درباره آن نیز صریحاً می‌توان مدعی شد که هنر بدون علم وجود ندارد. در واقع، نسبتهای خوشنویسی تعدادی نقطه تشکیل شده که در اسلوبهای عمده خوشنویسی با هم تفاوت دارد، اما همه بر پایه علمی قرار دارند که قوانین دقیق خاص خود را داراست. اسلامی کلید درک نسبتهای معماری اسلامی است. علم خوشنویسی از حقیقت موجود در بطن وحی قرآنی نشأت می‌گیرد و هنر خوشنویسی به واسطه این علم که مبنای قواعد اسلوبهای مختلف خوشنویسی سنتی است، تناظرهای کیهانی خاصی را افشا می‌کند و حتی از خلال نمادپردازی خود، حقایقی با ماهیت فراکیهانی را فاش می‌سازد. این جنبه از هنر خوشنویسی، که شرح کامل آن نیازمند فرصت دیگری است، نمای دیگری از سرشت عمیقاً معنوی و قدسی خوشنویسی اسلامی است، چون در اینجا علم مورد نظر علم قدسی است، نه صرفاً دانشی با سرشت دنیوی.

• ادامه دارد

• پاورقی‌ها:

۱. هر سورة قرآن مجید با «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌آغازد. نقطه زیر «ب» بسم الله، نماد نقطه نخستین، اولین قطره لطف الهی بر لوح محفوظ است و از سوی دیگر، نماد خود ذات الهی هم هست که نه تنها برای عالم هستی که در قالب حروف و کلمات مختلف تمثل یافته، بلکه حتی برای فعل خلاقیت قرار دارد.
۲. این نمایش از مجموعه نمایشها و ادعیه سپهرودی است که به «الواردات و التقدمات» مشهور است. ر.ک. م. ت. دانش پژوه، «نمایشهای سپهرودی»، در م. محقق (گردآورنده)، «آرام نامه»، تهران، ۱۳۶۱، ص ۴۶. درباره این اثر نویسنده آن، ر.ک. م. ت. «در باب اسلام ایرانی»، جلد ۱۱، پاریس ۱۹۷۱ و نیز س. ج. نصر، «سه حکیم مسلمان»، آلمانی (نیویورک)، ۱۹۷۵، فصل ۲.
۳. ر.ک. و. مینورسکی، «خوشنویسان و نقاشان»، واشینگتن دی. سی، ۱۹۵۹، ص ۲۱.
۴. ف. شووان، «شناخت اسلام ترجمه انگلیسی د.م. ماتسن، لندن، ۱۹۶۳، ص ۶۰.
۵. م. لینگز، «هنر قرآنی خوشنویسی و تذهیب»، لندن، ۱۹۷۶، ص ۱۴. عربک مقام معتبر سنتی مسلمان می‌نویسد: «قلم نشانه اسلام و گوینده افتخار شامزادگان، شاهان و رؤساست». ا. رابرتسن، «محمدین عبدالرحمن بر بابا خوشنویسی»، مترجم در «مطالعات نشانه شناختی و شرق شناسی»، ۱۹۲۰، ص ۶۵.
۶. سینورسکی، ص ۲۹.
۸. در مورد فوسهای نزولی و صعودی، ر.ک. س. ج. نصر، «مقدمه ای بر نظریه های اسلامی در مورد کیهان شناسی»، لندن، ۱۹۷۸، فصل ۱۲.
۹. درباره اهمیت تمایز این حرف، ر.ک. رنه گتون، «اسرار حرف نه در کتاب «هنر و اندیشه»، گردآوری ک. بهاراتاتایر، لندن، صص. ۶۸ - ۱۶۶.
۱۰. کاشفی، «مواهب العلیه»، به تصحیح س. م. ر. جلالی تائینی، تهران، ۱۳۲۹، جلد چهارم، صص ۳۰ - ۲۹.
۱۱. ر.ک. ت. پورکهارت، «درآمدی بر آیین تصوف»، ترجمه انگلیسی د.م. ماتسن، لندن، ۱۹۷۶، بخش دوم.
۱۲. کاشفی، ص ۲۳.
۱۳. کاشفی به دو سطح از تجلی اشاره می‌کند. تجلی حروف و تجلی کلمات، که هر دو از جهان فرمهای مادرانه قرآنی هستند و با یکدیگر اصل و اساس خوشنویسی اسلامی را در مقام تجسم عینی کلمه الله تشکیل می‌دهند و به همین ترتیب، منشأ تمام هنرهای سنتی محسوب می‌شوند که از بطن عالم سنتی، که خود مخلوق تجلی کلمه الله است، سرچشمه می‌گیرند.
۱۴. قاضی احمد، فرزند منشی، درباره حضرت علی (ع) چنین می‌گوید: «آثاری از لفظهای معجزه کران مقام مقدس، ملجاء باکی و مقدس (حضرت علی) وجود دارد که چشم جان را فروغ می‌بخشد و الواح سینه را منور می‌کند... و عالی ترین نقش کوفی آن است که از او به جا مانده... استاذان (این هنر) قواعد نگارش و مبنای آن را به این مقام مقدس نسبت می‌دهند». مینورسکی، صص ۵۲ - ۵۳.
۱۵. به ویژه امام چهارم زین العابدین (ع) و امام هشتم حضرت رضا (ع).
۱۶. پورکهارت، «هنر اسلامی»، ص ۵۱.